

**پابازی (Pábázi)** : پای کوبان، دست افشان.

**پابرنجن (Pábaranjan)** : سازی است از خانواده سازهای ضربی و آن زنگوله های کوچکی است که رقصان به پای خود می بندند. این ساز، پازنگ و پاهنگ هم خوانده می شود.

**پاپ، استودیو (Studyo Páp)** : تشکیلات وسیعی در امر ضبط صدا و تولید نوار مادر در تهران که از سال ۱۹۶۸ میلادی تا کنون به کار خود ادامه می دهد. در سال های اولیه، مدیریت پاپ استودیو با هنرمند گرانقدر ایران، هاملت میناسان آهنگساز معروف بود که اینک در آمریکا زندگی می کند.

**پاپ موزیک (Páp Muzik)** : آموزشگاه موسیقی و مرکز خرید و فروش آلات موسیقی به مدیریت، بهزادی که در تهران قرار دارد.

**پاپیون، گروه (Gruhe Pápyon)** : گروه پاپ موزیک فعال در لس آنجلس که از آن آلبوم "انعکاس فردا" با ترانه های: فاصله، دختر ایرونی، عجزه، زمستان، دنیا دنیا، مریخی، نگاه و شهر طلا در دسترس می باشد.

**پاتماگریان (Pátmágrýan)** : خواننده کُر در سال های ۱۳۲۰ خورشیدی و پس از آن که در رادیو برنامه اجرا می کرد.

**پاته (Páte)** : شرکت فرانسوی که در زمان قاجاریه با عرضه گرامافون در بازار ایران، با کمپانی های دیگر آن زمان نظیر His Master's Voice و پولیفون رقابت می کرد.

**پادایرگی (Pátáyergi)** : از آوازهای معروف در موسیقی کاشمر.

**پادشاه خاتون (Pádsáh Xátun)** : دختر قطب الدین محمد سلطان از قراختائیان کرمان است که شعر بسیار زیبا می سرود.

**پادگان، حاج مصطفی (Háj-Mostafá Pádegán)** : صاحب زورخانه پانچار واقع در کوچه کبابی ها.

پارت، انتشارات **(Entesáráte párt)** : مرکز پخش و نشر کتاب های سینمایی، موسیقی و نت. این موسسه تحت نظر حسن مفیدی در تهران فعالیت دارد.

پارتی تور **(Párti tur)** : نت نویسی یک ساز، یا گروهی از سازهای هم نام که آهنگ (ملودی) را همصدا، با هم اجرا می کنند. رهبر گروه، از روی پارتی تور، گروه را رهبری می کند. بطور کلی: کلیه ترکیب بندی های صوتی و سازبندی، با رعایت حالات و حرکات مورد نظر آهنگساز، بر پارتی تور ثبت می گردد.

پارتیشن **(Pártisen)** : به معنی بخش بندی و یا گروه بندی است. در یک اثر موسیقی چند صوتی، وظیفه هر گروه از سازها را پارتی یا بخش آن گروه می دانند. نظیر؛ پارتی ویلن ها، و یا پارتی سازهای بادی.

پارسا، آرش **(Áras Pársá)** : خواننده جوان و خوش صدای ساکن سوئد. از آرش پارسا، آلبومی بنام "روزگار" در دسترس می باشد. آرش پارسا خوانندگی را از ایران شروع کرد، بعد ها که به ترکیه می رود همراه با پرویز و امید در کاباره "یایک" استانبول می خواند. سروده های آلبوم روزگار از عباس هژیر و آهنگساز آن اریک پرسون است.

پارسا **(Pársá)** : خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او آلبوم؛ خدانگهدار، با اشعاری از: تورج نگهبان، شهریار قنبری و آهنگ؛ استاد بابک بیات در دسترس می باشد.

پارس، تئاتر **(Teátre Párs)** : تئاتر قدیمی تهران و مکانی برای فعالیت هنرمندان تئاتر و موسیقی.

پارسا، حبیب اله **(Habob-olláh Pársá)** : نوازنده چیره دست سنتور در ارکستر هنرمندان بروجرد، لرستان. حبیب اله پارسا، در سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در شهر بروجرد بدنیا آمد. در سن یازده سالگی به نواختن فلوت پرداخت. پس از مدتی به ساز سنتور روی آورد. هنرمندی که او را تعلیم داد؛ مسعود فروزان بود. حبیب اله پارسا در کنار نوازندگی سنتور، به ساختن این ساز نیز پرداخته و سازهای او بیشتر در خرم آباد، اصفهان و بروجرد عرضه می شود.

پارسا حسینی، حمید **(Hamid Pársáhoseyni)** : از صدابرداران و صدا گذاران شاغل در تهران.

**پارسا، مهرداد (Mehrdád Pársá) :** خواننده ترانه های لری و گوینده خوش صدای رادیو خرم آباد که در حال حاضر در لاس وگاس آمریکا زندگی می کند.

**پارس رکورد (Párs Record) :** مرکز تولید و پخش صفحه های موسیقی ایرانی واقع در خیابان لاله زار، پاساژ اخوان در سال های پیش و پس از ۱۳۴۵ خورشیدی.

**پارس، کاباره (Kábáre Párs) :** از کاباره های قدیمی تهران در سال های پیش از ۱۳۲۰ خورشیدی.

**پارس ویدئو (Párs Video) :** شرکت تولید نوار، CD، ویدئو موزیک و پخش فیلم های فارسی در آمریکا. پارس ویدئو از فعالترین شرکت های تولید و پخش در امر موسیقی ایران بشمار می رود. این شرکت با مدیریت خانم و آقای کعبه ای اداره می شود.

**پارسی (Pársi) :** نام لحنی از موسیقی باستان ایران.

**پارسی (Pársi) :** ترانه سرای قدیمی که از او تصنیف "تاج محل" با صدای؛ جواد بدیع زاده و ویلن مهدی خالدی و تار استاد کاموسی وجود دارد.

**پارسی، احمد (Ahmad Pársi) :** از استادان فن آواز در چهل سال پیش. ( ۱۳۴۰ )

**پارسی، فرامرز (فرآز) (Farámaz 'Faráz' Pársi) :** ترانه سرا، خواننده و آهنگساز ساکن لس آنجلس که از او آلبوم های: "سپیده بهار" و "تنها تو را دارم" در دسترس می باشد.

**پارسی نژاد، اسماعیل (Esmáwil Pársi-nežád) :** متصدی کلاس های شبانه هنرستان عالی موسیقی در تهران.

**پارلوفون (Párlefon) :** از شرکت های تولید صفحه در ایران به سال ۱۳۰۶ خورشیدی. از صفحاتی که توسط این شرکت تولید و پخش شده، می توان به: آتش دل، نگار من، افشاری، دل خسته، با صدای جاودان قمرالملوک وزیری و خود ستائی شیرین، با صدای ملوک ضربابی کاشانی اشاره کرد.

**پارانج (Páranj):** پولی است که به شاعران و نوازندگان می دهند تا در جشن و مهمانی حاضر شوند.

**پاروزنه (Pározone):** از الحان ساسانی.

**پازدن (Pázan):** اصطلاحی در وزن خوانی و نگهداری ریتم. با زدن، برای هنر جویان جهت تقویت و شناخت ریتم و ضرب آهنگ توصیه می شود.

**پازری، بابک (Bábak Pázari):** نوازنده چیره دست سنتور و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی.

**پازوکی، جهانبخش (Jahánbaxš Pázuki):** استاد جهانبخش پازوکی؛ شاعر، نوازنده ویلن و آهنگسازی است که جزو مفاخر موسیقی ایران بشمار می رود. از چهارده سالگی شروع به نواختن ویلن نموده و کار آهنگسازی را در سن ۲۳ سالگی آغاز کرد. جهانبخش پازوکی، مبانی علم موسیقی را نزد استاد محمد نیک نام، و استاد عبدالحسین برازنده که اکثر آهنگ های تاج اصفهانی را می ساختند، آموخت. از دیگر استاد های آقای پازوکی؛ استاد حسن کسائی و استاد جلیل شهنواز بودند. ایشان کاشف چند تن از خوانندگان صاحب نام امروزی هستند. آهنگ هایی که استاد پازوکی می سازد، برای هر خواننده فرق داشته و شرایط صدا و وضعیت اجرا، همواره مورد نظر ایشان بوده و هست. تا کنون ۶۵ خواننده، ترانه و آهنگ های ایشان را اجرا کرده اند، که بیشترین اجراها، متوجه خانم مهستی با ۵۸ ترانه می باشد. اولین تهیه کننده آثار استاد پازوکی، شرکت آپولون، بمدیریت منوچهر بیبیان بود که آهنگ؛ غروب کوهستان، با صدای خواننده اصفهانی، خانم ناهید دائمی جواد، را تهیه و پخش نمود. خوانندگانی که در ایران به اجرای آثار استاد پازوکی پرداخته اند عبارتند از: ناهید دائمی جواد، پوران شاپوری، مهستی، هوشمند عقیلی، اکبر گلپایگانی، زنده یاد هاید، حمیرا، منوچهر سخائی، عارف عارف نیا، زنده یاد کیانی ژراد (مازیار) و فرشته. آخرین خواننده ای که پیش از انقلاب در ایران، ترانه و آهنگ های استاد پازوکی را اجرا کرد، زنده یاد فرزین بود. در خارج از کشور، اولین گروه خوانندگان عبارت بودند از: زنده یاد هاید، مهستی، معین، مارتیک، حسن ستار، حمیرا، ویگن و گروه آخر عبارت بودند از: امید، شکیلا، شهلا سرشار، جهان و بهرام فروهر. آخرین خواننده ای که در حال حاضر استاد پازوکی معرفی نموده است؛ پویا نام دارد. رشته تحصیلی استاد پازوکی روانشناسی و علوم تربیتی از دانشگاه اصفهان می باشد.

**پازوکی، جهانگیر (Jahāngir Pāzuki) :** دکتر جهانگیر پازوکی، آهنگساز قدیمی ایران که فعالیت چشمگیری در دهه ۱۳۲۰ تا ۳۰ در اصفهان داشتند. از کارهای ایشان می توان به آهنگ ترانه "می جان، می جان" با صدای جعفر بزرگی اشاره داشت.

**پازوکی، مصطفی (Mostafā Pāzuki) :** مصطفی پازوکی در سال ۱۳۳۴ در شهرستان ساری بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۶ به استخدام رادیو تلویزیون ملی ایران در آمده و پس از گذراندن دوره های دانشکده صدا و سیما، به عنوان صدابردار در رادیو مشغول به کار شد.

**پازوکی، منوچهر (Manucehr Pāzuki) :** منوچهر پازوکی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در سن ۱۶ سالگی به فراگیری موسیقی پرداخت. او ابتداء، نواختن عود را نزد پرویز فرصت و پس از مدتی نزدیک هنرمند عرب بنام احمد عبدالوهاب رفت و دو سال نزد او کار کرد. استاد بعدی او؛ شاپور نیاکان بود که به او، ردیف و گوشه های موسیقی ایران را آموخت. منوچهر پازوکی از سال ۱۳۴۹ شروع به ساختن آهنگ نمود. او علاوه بر عود، با بانجو و ماندولین آشنائی کامل دارد. منوچهر پازوکی تا پیش از انقلاب با رادیو تلویزیون ملی ایران همکاری داشته ولی اینک تنها به تدریس موسیقی می پردازد.

**پازوکی، مهرداد (Mehrdād Pāzuki) :** موسیقیدان و آهنگساز که از نمونه کارهای او می توان به اثری بنام: "چشمی کنار پنجره انتظار"، اشاره داشت.

**پاساژ (Pāsāz) :** پاساژ رابط و وصل کننده دو قسمت مهم در یک موسیقی بوده و اجرای آن بیشتر حاکی از توانائی نوازنده و سلیقه توام با مهارت اوست که بتواند، بین دو ملودی در یک قطعه، رابطه برقرار کند.

**پاسخ آواز (Pāsuxe Āvāz) :** پاسخ دادن به آواز خواننده با یکی از سازها.

**پاسیون (Pasiyon) :** به معنی درد و رنج است. در موسیقی، به معنای قطعه ای است که بیان درد و رنج عیسی مسیح و حواریون او را نشان می دهد. پاسیون در مقام مقایسه، چیزی شبیه به تعزیه است.

**پاشائی، گیتی (Giti Pāšāwi) :** موسیقیدان و آهنگسازی که در سال ۱۳۶۵ موزیک متن فیلم: تیغ و ابریشم به کارگردانی؛ مسعود کیمیائی را ساخت.

پاشنه آرشه (**Pášneye Ārše**) : قسمتی از آرشه که بین دست، یا انگشتان نوازنده قرار می‌گیرد. اجرای نغمه با، پاشنه آرشه، باعث منقطع شدن نغمه می‌گردد. اجرای پاشنه آرشه، سه حالت دارد: حرکت آرشه بطرف راست، حرکت آرشه بطرف چپ و حرکت آرشه در دو جهت، راست و چپ.

پاشنه طلا، محمد حسن بک (**Mohammad Hasan Bek Pášne Talá**) : از هنرمندان مشهور دوران قاجاریه که تار، زیبا می‌نواخت. محمد حسن بک (پاشنه طلا) پدر استاد حسین سالاری، هنرمند، ممدوره میرزا عبدالله و آقا حسین قلی می‌باشد.

پاکاتو (**Pákáto**) : به معنی آرام کردن، آسوده شدن.

پاکسیما (**Páksimá**) : لطفاً به زکی پور، پاکسیما نگاه کنید.

پاک موزیک (**Pák Muzik**) : مرکز تهیه و فروش سازهای بادی ارتشتی، سازهای سنتی و لوازم موسیقی که با نام بازرگانی سرنا در تهران فعالیت دارد. مدیریت این موسسه با دو تن بنام های خورزنی و عزیزی است.

پاک نشان، سرور (**Sorur Páknešán**) : گوینده خوش صدای برنامه گُل های رادیو ایران.

پالاس، سینما (**Sinemá Pálás**) : محل اجرای کنسرت های قمر الملوک وزیری و استاد مرتضی خان نی داود. سینما پالاس، نخستین سینمای ایران بود که در آن فیلم ناطق نشان دادند. این سینما دارای بالکن بود که تا آن زمان سابقه نداشت. بالکن آن در اطراف سالن قرار داشت نه اینکه تنها منحصر به روبروی پرده یا سن باشد. در بالکن اطراف سالن، تماشاچی مجبور بود که گردن خود را خارج کرده تا پرده را ببیند. سیستم خنک کننده آن ۵۰ دستگاه بادزن الکتریکی بود که در سقف و کنار لژها نصب گردیده بود ولی در تابستان، ابداً تأثیری در خنک کردن سالن نداشتند.

پالاس، کاباره (**Kábare Pálás**) : از کاباره های معروف تهران در سال های پیش از ۱۳۲۰ خورشیدی.

**پالیزبان (Pâlizbân) :** نام لحنی از موسیقی قدیم ایران. پالیزبان به شکل های دیگر؛ پالیزوان و فالیزبان نیز آمده است.

**پاملخی (Pâmalaxi) :** نوعی مضراب در سازهای زخمه ای، نظیر: سنتور به صورت یک راست و دو چپ.



**پامناری، اکبرخان (Akbar-xân Pâmenâri) :** صاحب زورخانه سه راه دانگی که در این زورخانه مرشد علی جان، ضرب نواخته و می خواند.

**پایان، مصطفی (Mostafâ Pâyân) :** خواننده مشهور ترانه های آذربایجانی و از اعضای فعال اتحادیه موسیقی دانان ایران در سال ۱۳۳۰ خورشیدی. صدای این خواننده از رادیو ایران برای سال های بسیاری آن هم هر روز، پخش می شد.

**پای ستور یا پای شور (Pâye sotur yâ Pây Šur) :** سازی است ایرانی که چوپانان می نوازند. این ساز در خانواده سازهای بادی طبقه بندی می شود، و از سُم میش یا گاو ساخته می شود.

**پاینده، ابوالقاسم (Abolqâsem Pâyande) :** سرپرست اداره کل انتشارات و رادیو در سال ۱۳۲۷ خورشیدی و پس از آن.

**پایوار، غلامحسین (کلاس موسیقی) (Kelâse Musiqiye Qolâm-Hoseyn Pâyvâr) :** کلاس موسیقی غلامحسین پایوار، نوازنده مشهور ویلن در سال ۱۳۲۰، واقع در خیابان پامنار بود و طی سالیان دراز شاگردان بسیاری را تعلیم داد.

**پایور، فرامرز (Farâmarz Pâyvar) :** استاد بی نظیر سنتور که در زمره شاگردان برجسته ابوالحسن صبا است. پایور، تکنیک و لطافت و سلیقه را در نواختن سنتور در یک جا جمع کرد. پایور، تالیفات بسیاری



در رشته موسیقی دارد نظیر: دستور سنتور، سی قطعه چهار مضراب برای سنتور، هشت آهنگ برای سنتور، پرنیان، گفتگو، ردیف چپ کوک برای سنتور، تئوری موسیقی، رنگ شهر آشوب، آموزش تار و کتب دیگر. استاد فرامرز پایور در زمینه ساخت سنتور نیز از صاحب نظران کارگاه هنرهای زیبا هستند. ایشان، سال ها، با سمت استادی، در هنرستان عالی موسیقی به تدریس سنتور اشتغال داشتند.

فرامرز پایور، در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پایور از ۱۷ سالگی (۱۳۲۸)، تحصیل در موسیقی را نزد ابوالحسن صبا آغاز کرد، و پس از ۶ سال، کلیه ردیف های موسیقی را روی ساز تخصصی اش که سنتور بود، فرا گرفت. پس از استاد صبا، برای تکمیل تحصیلات خود نزد استادهائی چون: عبدالله دوامی، موسی معروفی و دکتر نورعلی برومند رفته و از مکتب آنان فیض برد. فرامرز پایور، اصول علمی آهنگسازی را از استاد حسین دهلوی و استاد ملیک اصلانیان آموخت.

**پایه (Pāye) :** درجه اول گام، بنیه، تنیک. رکنی که یک آهنگ (ملودی) با هر اندازه از سادگی و کوتاهی، بر فرم و شکل مضراب آن رکن، ساخته می شود.

**پایه خرک (Pāye Xarak) :** قسمت زیر خرک که بر صفحه ساز می نشیند.

**پایه گام (Pāye Gam) :** در موسیقی قدیم ایران، نسبت فواصل چهارم و پنجم را می گفتند.

**پایه گرفتن (Pāye Gereftan) :** تداوم تکرار یک بخش از آهنگ توسط یک یا چند ساز، جهت نواختن ساز تکنواز. این تکرار در مورد خواننده، با یک ساز، یا چند ساز هم امکان پذیر است (پایه)، توسط ساز تکرار می شود و خواننده می خواند).

**پت بون، فروشگاه (Frušgāhe Patbun) :** فروشگاه و نماینده پخش صفحه های ایرانی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی که در میدان ۲۴ اسفند واقع بود.

**پتواژه (Petvāže) :** پاسخ گوئی به ساز، با شعر و آواز.

**پخ زدن (Pax zadan) :** اصطلاحی در صنعت نجاری، ساز سازی. قسمت بالای کلاف های سنتور را در محل وصل کلاف به صفحه رو (از طرف داخل) با چوب ساب، به اصطلاح پخ می زنند. این پخ، دارای شبیهی است که دو میلیمتر خوردگی دارد.

**پدال (Pedál) :** هر دستگاهی که توسط پاها عمل می کند. پدال در آلات موسیقی موجب تولید و یا تغییر صوت می شود.

در پیانو، پدال سمت راست آن، تولید صوت بلند می کند و پدال چپ، صوت بم را می سازد. در ارگ: پدال ها، بم ترین اصوات را باعث می شوند. پدال از نُت های بیگانه محسوب می شود، زیرا تشخیص آن به سهولت امکان پذیر است. پدال انواع مختلف دارد نظیر: پدال تنیک، مثلث، مضاعف، نمایان و همراه.

**پدرام (Pedrárn) :** پدرام شاد کامیان، خواننده جوانی که در آمریکا فعالیت دارد. پدرام شاد کامیان، در سال ۱۳۵۶ در تهران دنیا آمد. او در سال ۱۹۹۷ به آمریکا آمده و در بدو ورود، فعالیت خود را آغاز نمود.

**پدرام (Pedrárn) :** ترانه سرائی که فعالیت چندانی از او مشاهده نمی شود. از نمونه کارهای او، می توان به ترانه: حرف های بارونی، با صدای فرامرز پارسی اشاره نمود. پدرام مقیم آمریکاست.

**پدراثانی، نازنین (Názanin Pedarsáni) :** نوازنده چیره دست ضرب در گروه همنازان کانون موسیقی چنگ تهران.

**پراسارینی (Parásáriní) :** از ریع برده های موسیقی ایران باستان.

**پرتو، اُفلیا (ایزدی) (Ofelyá Parto) :** موسیقیدان، آهنگساز و فوق لیسانی موسیقی که رساله خود را در خصوص: نقد و بررسی موسیقی ملی نوشته است.

خانم اُفلیا پرتو (ایزدی) از فارغ التحصیلان دوره اول هنرستان موسیقی است که در سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵ خورشیدی، موفق به اخذ دیپلم کامل در رشته پیانو از کلاس، استاد جواد معروفی و در سال ۱۳۵۰، درجه لیسانس خود را در رشته موزیکولوژی و در سال ۱۳۶۲، فوق لیسانس خود را در رشته امور فرهنگی در زمینه موسیقی دریافت داشت. خانم پرتو، سال ها بعنوان استاد پیانو در هنرکده موسیقی ملی به تدریس پرداخته و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شدند. از ساخته های این هنرمند، آهنگ هائی بنام: "کیستم من"، "رهائی"، "دعایم کن"، "پروانه"، "یاد آن روزها" و "بهار مادر" با صدای خاطره پروانه اجرا گردیده است.

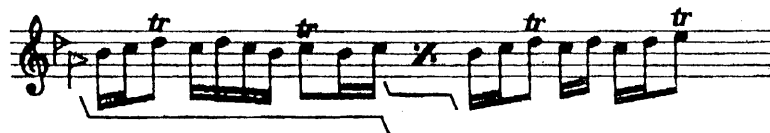
پرتو بیضائی، حسین (**Hoseyn Parto Bizáwi**) : از غزلسرایان و شعرای معاصر ایران که از اشعار او خوانندگان بسیاری سود جسته اند. تحلیص این شاعر پرتو است. حسین پرتو بیضائی در سال ۱۳۲۵ هجری در قصبه آران، نزدیک کاشان بدنیا آمد. او در شعر گفتن از سبک هندی پیروی می کند. حسین پرتو، در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، چشم از جهان فرو بست. از اشعار مشهور او می توان به "چشم" و "بی سبب" اشاره داشت.

پرتو فرخار (**Parto Farxár**) : نام لحنی است از موسیقی قدیم ایران که آن را از باربد موسیقیدان معروف دربار خسرو پرویز دانسته اند.

پرتو، نصراله (**Nasr-olláh Parto**) : از اعضاء انجمن موسیقی ملی و نوازنده چیره دست ویلن و سه تار است. نصراله پرتو، پدر، هنرمند گرانقدر، سرکار خانم اُلیا پرتو است.

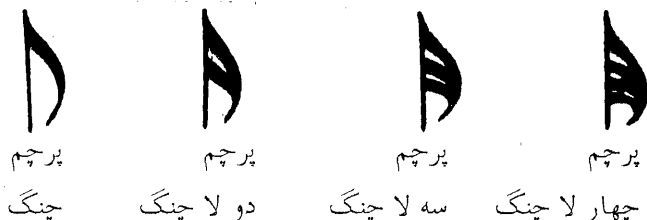
پرتوی شیرازی (**Partuye Širázi**) : از شاعران اوائل سده دهم هجری که ۲۱ سال از آخر عمر خود را در عهد شاه اسماعیل صفوی سپری کرد. این شاعر در سال ۹۲۸ هجری در شیراز چشم از جهان فرو بست و آرامگاه او در کنار آرامگاه سعدی است.

پر پرستو (**Pare Parastu**) : گوشه ای است در دستگاه سه گاه و چهار گاه که بنام پر پرستوک هم آمده است. نوعی حرکت مضراب که حالتی از پر زدن پرستو را تداعی می کند.



پرپنک (**Parponk**) : نوعی چوب، جهت ساختن سازهایی نظیر؛ قیچک بلوچی و یا کمانک در موسیقی بلوچی.

پرچم (**Parcam**) : خط منحنی که به چنگ، دولا چنگ، سه لا چنگ و چهار لا چنگ تنها و منفرد وصل می شود.



پرخوانی (Porxâni) : لطفاً به آئین ذکر نگاه کنید.

**پرخیده (نورالهدی مظفری) (Parxide) :** هنرمند توانای سینمای ایران که کار هنریش را با خوانندگی آغاز نمود. فعالیت خانم پرخیده در امر خوانندگی مربوط به زمانی است که ایشان در ارکستر برادران وفادار، پس از خواننده خوش صدای آن زمان، خانم فروغ سهامی، می خواندند. پرخیده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۰۸ با گروه هنری احمد صفوی آغاز کرد. او فیلم های بسیاری، بازی کرده، از آن جمله: "دزد عشق" با مجید محسنی، عباس مهرپویا، شهلا ریاحی و قاسم جلیلی، "شب نشینی در جهنم"، "نردبان ترقی"، "فردا روشن است" و فیلم های دیگر. پرخیده، همسر هنرمند گرانقدر، حمید وفادار بود. از پرخیده صفحه و نوارهایی در امر موسیقی اصیل ایرانی وجود دارد که محصول سال های همکاری پرخیده با حمید وفادار است. پرخیده در سال ۱۳۴۴ خورشیدی، پس از یک عمل جراحی قلب در تهران، چشم از جهان فرو بست.

**پردازنده (Pardâzande) :** نوازنده ساز، خواننده نغمه.

**پرده (Parde) :** فاصله بین دو نت را گویند. هم چنین، در موسیقی قدیم، نام ۱۲ آهنگ یا مقام بوده است.

**پرده (Parde) :** مفتول روده که بفاصله های معین بر دسته؛ تار و عود و سازهای زهی - زخمه ای می بندند.

**پرده اصفهان (Pardeye Esfehân) :** از پرده های موسیقی قدیم.

**پرده برگشت (Pardeye Bargâšt) :** فارابی در گام پیشنهادی خود، پرده برگشت را چنین شرح می دهد: هر گاه فاصله برگشت (پرده) را دو بار از فاصله چهارم کم کنیم، باقی مانده آن، فاصله ایست برابر فاصله چهارم از مجموع دو پرده که آن را فزونه، نامیم، و تعداد آن را نسبت به تعداد فاصله برگشت (پرده)

می‌سنجیم.

**پرده بلبل [Pardeye Bolbol] :** از پرده های قدیم که تنها نامی از آن باقی مانده است.

**پرده بم [Pardeye Bam] :** از پرده های موسیقی قدیم ایران و محلی برای شروع صوت بود. خوانندگان، بنا به روش خوانندگی از بم آغاز کرده و کم کم اوج می‌گیرند.

**پرده بندی (Scale) یا (اشل) [Parde bandi] :** پرده بندی ساز را بنا به روایتی، طبقه می‌نامند. قدیم ترین پرده بندی را فارابی، بر تنبور بغدادی یا میزانی انجام داده است. عمل پرده بندی، امروز توسط سازندگان ساز انجام می‌شود.

**پرده بندی تنبور خراسانی [Parde bandiye Tanbure Xorāsāni] :** این پرده بندی، پایه و اساس گام های موسیقی ایران، پیش از حمله اعراب در زمان ساسانیان است، که قرن ها پیش از این یورش، معمول بوده است.

**پرده تنگ [Pardeye tang] :** نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران.

**پرده چغانه [Pardeye caqāne] :** نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران. چغانه، نام سازی است قدیمی.

**پرده خراسان [Pardeye Xorāsān] :** نام پرده ای است در موسیقی قدیم ایران، که در کتب موسیقی کمتر به آن اشاره شده است.

**پرده خرم [Pardeye Xorram] :** پرده و لحنی است در موسیقی قدیم ایران که امروزه از آن سخنی نمی‌گویند.

**پرده دوشین [Pardeye dušīn] :** با نام دیگر نوشین، از پرده های قدیمی در موسیقی ایران است.

**پرده دو نئی فیناغورث [Pardeye do noti Fisāqures] :** این پرده، قطعات سیم مربوط به فاصله هر یک از پرده ها را به چهار قسمت و قطعات مربوط به نیم پرده ها را بدو قسمت، تقسیم می‌کند.

**پرده دیرسال (Pardeye Dirsál) :** نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران است. پرده دیرسال، کنایه از آسمان است.

**پرده راست (Pardeye Râst) :** نام پرده ای است در موسیقی قدیم ایران، که امروز به نام: راست و راست پنجگاه، با لحنی متفاوت از گذشته وجود دارد.

**پرده راهوی (Pardeye Râhovi) :** از پرده های قدیم که بصورت رهاوی امروز به چشم می خورد.

**پرده زائد قدیم (Pardeye Zâede Qadim) :** یک پرده بم تر از سبابه، به نسبت ۲۵۶/۲۴۳ (Z.).

**پرده زال (Pardeye Zâl) :** از پرده های موسیقی قدیم ایران.

**پرده زلزل (Pardeye Zalzal) :** این پرده منسوب به منصور بن جعفر زلزل است که ۱۵۰ سال پیش از فارابی، این پرده را در گام موسیقی ایران ابتکار نمود.

**پرده زنبور (Pardeye Zanbur) :** از الحان ساسانیان.

**پرده زنگوله (Pardeye Zangule) :** از الحان موسیقی قدیم ایران.

**پرده زیرافکند (Pardeye Zirafkand) :** از پرده های موسیقی قدیم ایران.

**پرده ساز کردن (Parde Sâzkardan) :** کوک کردن ساز و نواختن آهنگ.

**پرده سپاهانی (Pardeye Sepâhâni) :** با نام دیگر؛ صفاهان در سیر لغوی خود به اصفهان رسیده که امروز، این پرده در موسیقی ایران وجود دارد.

**پرده سرکش (Pardeye Sarkeš) :** نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران است. این پرده منسوب به سرکش، موسیقیدان مشهور عهد ساسانیان است.

**پرده سماع (Pardeye Samâ)** : به نظر استاد محمد فرزانه "پرده سماع" پرده ای است نازک که در مجلس بزرگان و دربار می آویختند تا نوازندگان در پشت آن نشسته و می نواختند و کسانی که در مجلس بودند به کارهای دیگر می پرداختند.

**پرده شناس (Pardeye Šenâs)** : مطرب، نوازنده، رامشگر، موسیقیدان و ردیف دان.

**پرده طینی (Pardeye Tanini)** : پرده برگشت، لطفاً به پرده برگشت نگاه کنید.

**پرده عراق (Pardeye Arâq)** : از ۱۲ پرده موسیقی قدیم ایران، پس از حمله اعراب.

**پرده عشاق (Pardeye Oššâq)** : از پرده های قدیم که تا امروز باقی مانده است.

**پرده عُشرا (Pardeye Ošrà)** : از پرده های قدیم در موسیقی ایران که امروز ملاحظه نمی شود.

**پرده عنقا (Pardeye Anqâ)** : از پرده های موسیقی قدیم ایران که امروزه نامی از آن برده نمی شود.

**پرده قمری (Pardeye Qomri)** : نام پرده ای است در موسیقی قدیم ایران.

**پرده گردان (Parde Gardan)** : هر آنچه که پرده موسیقی را تغییر دهد. اسباب مصنوعی که در بعضی از سازها موجب تغییر پرده می شود. مثلاً در ساز قانون؛ کلیدهای کوچک و متحرکی در قسمت چپ ساز بعد از شیطانک تعبیه کرده اند که موجب تغییر اصوات می شود. به پدال نیز پرده گردان می گویند.

**پرده لیلی (Pardeye Leyli)** : نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران است که لحنی از آن بنام لیلی و مجنون ملاحظه می شود.

**پرده مخالف (Pardeye Moxâlef)** : پرده ای است در دستگاه سه گاه.

پرده نوا (Pardeye Navá) : از پرده های موسیقی قدیم ایران.

پرده یاقوت (Pardeye Yáqut) : نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران است.

پردیس، تاتر (Teátre Pardis) : جنب سینما دنیا، در کوچه نوشین، چهارراه مخبرالدوله که گروه صادق بهرامی در آنجا فعالیت داشتند. این تاتر بعدها تبدیل به سینما گشت.

پرستو (Parastu) : از اصطلاحات حرکت و سرعت. در متروئم، نشان دهنده سرعتی به اندازه ۲۰۰ - ۱۸۴ است.

پرستو، کلاس موسیقی (Keláse Musiqiye Parastu) : واقع در خیابان سعدی شهرستان بروجرد در سال های پیش و پس از ۱۳۳۵ خورشیدی. این کلاس با سرپرستی محمد فخر طباطبائی به آموزش هنرجویان می پرداخت.

پرشین ۲۰۰۰ (Peršian 2000) : کمپانی تولید نوار، CD موسیقی ایرانی که در نیو مکزیکو آمریکا به فعالیت اشتغال دارد.

پرکوسیون (Perkusyon) : سازهای کوبه ای یا ضربه ای پرکسیون، به مجموعه ای از سازهای موسیقی اطلاق می شوند که برای نواختنشان بر آن ها می کوبند و یا ضربه می زنند.

پرکوهان (Parkuhán) : با نام های دیگر؛ برکوهان، ایر برکوهان، ماه بر کوهان. لطفاً به ایر بر کوهان نگاه کنید.

پرگاری، فریده (Faride Pargári) : از صدا برداران فعال که بمدت ۶ سال در مرکز رادیو تلویزیون کرمانشاهان به کار اشتغال داشت و بعد از آن به تهران منتقل و در کنار همکاری با رادیو تلویزیون، صدا برداری اکثر نمایشنامه های تاتری و سریال ها را انجام داده و می دهد. فریده پرگاری، ۲۸ سال است که به امر صدا برداری و صدا گذاری اشتغال دارد.

پرلود (Prelud) : قطعه موسیقی که بعنوان مقدمه یا پیش از اجرای یک قطعه اصلی نواخته می شود.



**پرنک، نوذر [Nozar Parang]:** از شعرا و غزل سرایان مشهور معاصر که از اشعارش، خوانندگان بسیاری سود جسته اند. از نوذر پرنک، کتابی بنام "فرصت درویشان" در دسترس می باشد. به چند ترانه خاطره انگیز از سروده های نوذر پرنک اشاره می شود: فنجون طلا، اسب ابلق سم طلا با صدای ویگن و جاودانه ترانه: تولد، تولد، تولد، تولد مبارک که آن را ده ها خواننده خوانده اند.

**پرنور [Ponor]:** آهنگساز ترانه های گیلکی، که از نمونه های کارهای او؛ آهنگ ترانه: "فاطی جون" با صدای ناصر، قابل ذکر است.

**پروا [Parva]:** خواننده مردمی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی بدنیا آمد. کار خوانندگی را از سال ۱۳۴۹ در تلویزیون آموزشی ایران آغاز نمود و در سال ۵۲ به استخدام رادیو تلویزیون ملی ایران در آمد. در سال ۱۳۵۶ خورشیدی بازخوانی ترانه موسم گل را که قبلاً خانم ها قمرالملوک وزیری و پرهیده خوانده بودند با تنظیم مجتبی میرزاده اجرا نمود که مورد توجه بسیار فرار گرفت. از ترانه سرایانی که بیشتر با خانم پروا کار کرده اند می توان به محمد علی بهمنی اشاره داشت. آهنگسازان و هنرمندان دیگری که با خانم پروا همکاری نزدیکی داشته اند عبارتند از: حسین صمدی، بزرگ لشگری، کریم فکور، عبدالله الف، محمد علی شیرازی و خانم ماهدخت مخبر. پس از تغییر رژیم در سال ۵۷ تا سال ۸۰ بمدت ۲۳ سال از پروا فعالیت های هنری مشاهده نشد. او در این سال ها تنها به تحصیل ردیف های موسیقی پرداخت. در سال ۸۰ آلبومی از پروا از کارهای بزرگان موسیقی نظیر؛ قمر، روح انگیز، روح بخش، منوچهر همایون پور و عارف قزوینی انتشار یافت. خانم پروا در حال حاضر در ایران زندگی می کنند.

**پروانه [Parvane]:** آوازه خوان دوره ناصری که صدای گرفته و غم انگیزی داشت و از او چند صفحه موجود می باشد.

**پروانه [Parvane]:** نام مقامی در دستگاه های؛ ماهور، همایون، و راست پنجگاه. گوشه و نغمه ای کوچک در دستگاه راست پنجگاه.



پروانه

**پروانه [parvane]:** خواننده مشهور سال های پیش و پس از ۱۳۲۲ خورشیدی که همکاری نزدیکی با مجید و حمید وفادار داشت. مجید وفادار آهنگ معروف "مرا ببوس" را در سال ۱۳۲۶ به او داده و او اجرا

کرد ولی موفقیتی کسب نکرد تا این که در سال ۱۳۳۵ حسن گل نراقی با ویلن پرویز یاحقی این آهنگ را اجرا کرد و جاویدان شد. مرا بیوس را حیدر رقابی سروده است.

**پروانه (Parvâne):** خواننده ای که سبک و شیوه خواندنش، شبیه زنده یاد هایده بوده و از هایده بعنوان پیش کسوت همیشه ماندگار در تاریخ موسیقی ایران یاد می کند. از این خواننده، که در حال حاضر در آمریکا فعالیت دارد، آلبوم "قصر بلور" با همکاری هنرمندان صاحب نام خارج از کشور مانند؛ جهان بخش پازوکی، کاظم عالمی، سیاوس قمیشی، همایون هشیارتراد، حسین واثقی، امیر بدخش و ایرج طاهری، در دسترس می باشد.

پروانه کار هنری خود را از ایران و زیر نظر استاد هائی مانند نصرت اله خالدی و حسن یوسف زمانی آغاز، و از طرف شورای رادیو صدایش پذیرفته شد. در مهاجرت به کانادا، در فستیوال موزیک آسیائی شرکت کرد و سپس تحت تعلیم استاد کامل علیپور قرار گرفت. اولین آلبوم او بنام؛ "قهر و ناز" تولیدی از ملودی پروداکشن، در تورنتو کانادا پخش و مورد استقبال قرار گرفت. پروانه در حال حاضر ساکن لس آنجلس است.

**پروانه، خاطره (اقدس خاوری) (Xâtere Parvâne 'Aqdas Xâvari):** خواننده مشهور رادیو تلویزیون پیش از انقلاب. خانم خاطره پروانه، از هنرمندانی است که در خواندن، صاحب سبک می باشد. از دیگر خوانندگان صاحب سبک قدیمی می توان به: زنده یاد پوران، زنده یاد غلامحسین بنان و زنده یاد هنرمند جاویدان موسیقی ایران؛ قمر الملوک وزیری اشاره داشت. خانم خاطره پروانه در سال ۱۳۰۸ بدنیا آمد. در ۵ سالگی، مادر هنرمند خود، خانم پروانه را از دست داد. سال فعالیت رسمی خاطره پروانه، ۱۳۳۶ خورشیدی بود که تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت. این هنرمند، نظیر گوگوش، پس از ۲۰ سال سکوت به فعالیت مجدد پرداخته و با گروه یاران، ترانه هائی را اجرا نموده است. از ترانه های ماندگاری که توسط ایشان اجرا شده می توان به: دلم شکسته با شعر، لعبت والا و آهنگ محمد حیدری. چشم نرگس با سروده؛ شوریده شیرازی، آهنگ؛ شیدا و با تنظیم؛ فرامرز پایور، و آب حیات، با شعر و آهنگی از: اکرم الدوله و تنظیم فرامرز پایور اشاره داشت.

**پروانه، علی اکبر (Ali Akbar Parvâne):** موسیقیدان برجسته ایرانی و هم دوره با زنده یاد ها: استاد غلامحسین بنان، لطف اله مجید، استاد مرتضی محجوبی و مشیر همایون شهردار. استاد علی اکبر پروانه، نوازنده بی رقیب تار بود. اوج فعالیت استاد علی اکبر پروانه سال های ۱۳۲۰ و پس از آن بود.

**پروانه کبیر (Parvâne Kabir):** بخشی از قسمت اول رنگ شهر آشوب، قسمت دیگر گل ریزان نام دارد.

**پروانه، موچول (Mucul Parvane) :** زنده یاد موچول پروانه در سال ۱۲۸۹ خورشیدی بدنیا آمد و در میان افراد خانواده اش، دائی او با موسیقی آشنا بود؛ او شعر می گفت و سه تار می نواخت. موچول پروانه از وقتی که دخترک کوچکی بود با موسیقی مأنوس گشت و خیلی زود به فراگیری تصنیف و آواز پرداخت. در سیزده سالگی ازدواج کرد. شوهرش مشوق او در آموختن موسیقی بود. حسین خان اسماعیل زاده به او ویلن زدن را آموخت. در آن زمان، کمپانی های صفحه پر کنی، به ضبط صفحاتی مشغول بودند و موجبی پیش آمد تا این خواننده از خود یادگاری ارزشمند بجا بگذارد. موچول پروانه، وقتی هیجده سال داشت، شوهرش بر اثر ابتلاء به بیماری کشنده "سل" در گذشت، او نیز که مسلول شده بود در سن ۲۱ سالگی چشم از جهان فرو بست. تاریخ مرگ او، سال ۱۳۱۰ خورشیدی و مزارش در امام زاده عبدالله است.

**پرور، دکتر شوان (Dr. Šiván Perver) :** آهنگساز، نوازنده و خواننده مشهور کردستان که فعالیتی چندین ساله داشته و پیش از انقلاب از محبوبیت و معروفیت بسیاری برخوردار بوده است. دکتر شوان پرور، در حال حاضر با گروه ۵ نفری خود، کنسرت هائسی در کشورهای مختلف جهان برگزار می کند. دکتر شوان، تنبور بسیار زیبا می نوازد و از صدای گرمی برخوردار است. اعضاء ارکستر دکتر شوان عبارتند از: حسن کنجو (قانون)، افشین مهر (دف)، نجم الدین نج (ویلن)، عصمت الاتین دسمیرهان (فلوت، زورنا، زز و بالابان).

**پرویز (Parviz) :** خواننده ساکن کالیفرنیا که از او آلبومی با نام "قفس" در دسترس می باشد.

**پروین (Parvin) :** خانم پروین زهرائی منفرد، از خوانندگان صاحب نام و مشهور در موسیقی ایران که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بدنیا آمدند. آموزش موسیقی را نزد استاد همایون خرم دیده و ترانه جاودانه "غوغای ستارگان" او با شعری از کریم فکور و آهنگ از استاد همایون خرم. برگ زرینی است در دفتر شعر و موسیقی ایران. از دیگر ترانه های بیادماندنی این هنرمند بزرگ می توان به: "چه شبی، چه مهی، چه هوایی" با شعر کریم فکور و آهنگ همایون خرم. "تنها ماندم" با شعر عبدالله الفت، و "چو اسیر دام تو ام" با شعر استاد نواب صفا و آهنگ استاد پرویز یاحقی اشاره داشت.

**پریا، وانیک (Vánik Paryá) :** استاد تعمیر پیانو، وانیک پریا، در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در شهرستان ساوه بدنیا آمد. در کودکی ساکن تهران شد و ضمن تحصیل، تحت تعلیم آموزش های فرهنگی و هنری هویک گاسپاریان قرار گرفت. پریا، پس از طی خدمت سربازی، نزد استاد ژرژ که نوازنده ماندولین بود رفته و در کارگاه ایشان مشغول تعمیر آکوردئون و پیانو گردید. مراحل تکمیل آموختن پیانو و تعمیر آن را در کارخانه

معروف **Reener** در آلمان گذراند و در حال حاضر در ایران به ساختن قطعات یدکی پیانو می پردازد. از ابتکارات این هنرمند گرانقدر، ساختن پیانویی است کاملاً ابتکاری که متأسفانه به علت عدم حمایت رژیم تهران به تولید نرسید.

**پریخان (Parixán) :** موسیقیدان و نوازنده مشهور در زمان سلطنت کریم خان زند.

**پریسا (فاطمه واعظی) (Parisá 'Fátme Váwezi) :** خواننده سرشناس و مشهور ایران که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی بدنیا آمد. پریسا در زمره خوانندگان موسیقی اصیل ایران است که پس از انقلاب، از سرعت کارهایش، کاسته نشد. از اجراهای بیاد ماندنی این خواننده بزرگ می توان به:

"به حریم خلوت خود و تاب بنفشه" در ماهور

"چشم بی سرمه" در شور

"ما برقتیم" در نوا

"همچو فرهاد" در مایه زند

"بیا تا گل برافشانیم" در شور

"نگارا" در سه گاه

"الا ای پیر فرزانه" در نوا

"بشنو این نکته که خود را ز غم آزاد کنی" در بیات ترک

"ای یوسف خوشنام ما" در بیات ترک

"آسمان هر شب به ماه خویش نازد" در چهارگاه

"نادیده رخت" در بیات اصفهان می توان اشاره کرد.

تبحر این خواننده و شناخت او را از دستگاه های موسیقی اصیل ایران، در برخی از اجراهایی که به آن ها اشاره شده می توان دید.

**پرینی (Parini) :** فای دیز، در نت نویسی موسیقی قدیم ایران.

**پریود (Periyod) :** دوره، دور. طرحی به پایان رسیده و جریان مداری یک تکامل منظم و متناسب در موسیقی. در مبحث صدا شناسی، پریود، به مدت زمان لازم برای انجام یافتن یک ارتعاش کامل را گویند.

**پریوش (Parivaš):** خواننده مشهور وزارت فرهنگ و هنر، پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با هنرمند گرانقدر ایران عماد رام داشت. ترانه "خدایا" با صدای او و عماد رام از جاودانه ترانه های موسیقی ایران است که با تم محلی و شعری از شاعره گرانقدر لعبت والا، اجرا شده است.

**پزانتِه (Pezante):** سنگین، پیوستگی و گسستگی اصوات موسیقی.

**پزشکیان، زورا (Zorá Pezeškyán):** موسیقیدان برجسته و از شاگردان ممتاز لئون گریگوریان، که در تبریز فعالیت داشت.

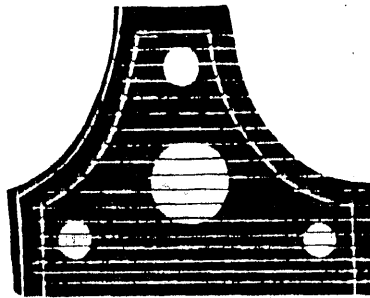
**پژمان، احمد (Ahmad Pežmán):** موسیقیدان و آهنگساز مشهور ایران، احمد پژمان در شهر لار به دنیا آمد. در دوران دبیرستان، نزد استاد حشمت سنجری به فراگیری ویلن پرداخت. او در حین تحصیلات دانشگاهی در رشته زبان و ادبیات، در ارکستر سنفونی تهران به نواختن ویلن اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۳ با دریافت بورس تحصیلی، عازم اطریش شد و در آن جا، تحت نظر توماس کریستان داوید و آلفرد اوهل به فراگیری آهنگسازی پرداخت. پس از مراجعت به ایران، برای افتتاحیه تالار رودکی، او اولین اپرای ایرانی؛ "جشن دهقان و دلاور سهند" را نوشت. در کارنامه هنری احمد پژمان در زمینه ساختن موزیک متن برای فیلم های فارسی می توان به فیلم های: "شازده احتجاب" (بهمن فرمان آرا)، "ساخت ایران" (امیر نادری) و "سایه های بلند" (بهمن فرمان آرا) اشاره کرد. موزیک متن سریال تلویزیونی، "دلیران تنگستان" به کارگردانی همایون شهنواز از کارهای اوست. پیش از انقلاب، احمد پژمان به آمریکا آمد و در رشته موسیقی، وارد برنامه دوره دکترای دانشگاه در نیویورک شد.

**پژمان بختیاری، حسین (Hoseyn Pežmán Baxtiyâri):** از شعرای دوره اول در موسیقی ایران، همدوره؛ ملک الشعرای بهار، امیر جاهد، وحید دستگیری و عارف قزوینی. شعرا و ترانه سرایان مشهور در موسیقی ایران در گروه های مختلفی قرار دارند. لطفاً برای اطلاعات جامع تر به "ترانه سرایان" نگاه کنید. از زیباترین اشعار این شاعر و ترانه سرای گرانقدر می توان به شعر: "ده روزه عمر این همه افسانه ندارد" با صدای منوچهر همایون پور در سال ۱۳۲۹ خورشیدی اشاره کرد. بعد ها، این ترانه توسط خانم الهه و زنده یاد هایده نیز اجرا شد. ترانه دیگری از سروده های زنده یاد پژمان بختیاری؛ "چرا یادم نکردی" با صدای خانم الهه در مایه شوشتری و منصوری است.

**پژواک (Pežvâk):** شرکت تولید، تکثیر و بخش نوار و CD های ایرانی که در لس آنجلس قرار دارد.

**پس (Pas) :** در اصطلاح موسیقی به معنی؛ فرود است. نظیر؛ پس حصار، پس ماهور و پس مخالف.

**پسالتریون (Pesáltriyun) :** از آلات زهی کهن که در فرهنگ کتاب تورات از آن نام برده شده است. این ساز، دارای جعبه طنینی است که به روی آن سیم‌هایی کشیده اند. سال ساخت این ساز سده ۱۲ میلادی است. در فرهنگ لاروس، آن را، مادر کلیه سازهای رشته‌ای که با زخمه زدن بصدا در می‌آیند دانسته اند. این ساز از خانواده چنگ است.



**پسان (Pesân) :** سیم سوم در آلات موسیقی سه وتره.

**پسانتر (Pesânter) :** در زبان عبری، به پیانو اطلاق می‌شود.

**پست هورن (Post Horn) :** از آلات بادی قدیمی، مربوط به سده ۱۴ یا ۱۵ میلادی. موتسارت، از این ساز استفاده کرده است.

**پس حصار (Pas Hesâr) :** گوشه‌ای است در دستگاه سه گاه و چهار گاه.



پس حصار

**پسندیده (Pasandide) :** از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که از دیر باز در موسیقی عرب وارد شده است.

**پطروسیان، رافی (Râfi Petrosyân) :** از اعضاء ارکستر سنفونی تهران در سال ۱۳۲۸ خورشیدی که از او کارهای زیبایی بشرح زیر دیده شده است: برنامه ای بنام "یکصد و هشتمین سال تولد بتهوون" در تاریخ دوم دیماه ۱۳۲۹. "کنسرت به نفع سازمان شیر و خورشید سرخ ایران" در تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۲۹ و اجرای "کنسرتو برای پیانو" در تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۲۹.

**پُل [Pol] :** قطعه کوچکی که بین صفحات زیر و روی بعضی سازها قرار می دهند و فشار صفحه رو را متعادل می سازد. اشکال استوانه ای و شانه ای آن، بسیار معمول است.

**پلنگ (Palang) :** اصطلاحی در تنبک نوازی. صدای حاصل از زدن بشکن با دست چپ در ناحیه کناری تنبک. علامت پلنگ در نُت نویسی تنبک، مثلثی است تو خالی "P" و عدد روی آن، شماره انگشت را مشخص می کند.

**پُلّی تُنالیتِه (Politonâlite) :** سبک چند تُنالیتِه ای. در این سبک آهنگسازی، تضاد و تفاوت قسمت های تُنالیتِه مشخص است.

**پُلّی ریتِم (Poliritm) :** اجرای دو یا چند ریتِم مستقل توأمأ در یک قطعه موسیقی را گویند.

**پُلّی فون (Polifon) :** یکی از دو شرکت آلمانی که از سال ۱۳۰۶ خورشیدی صفحات موسیقی ایرانی را تولید می کرد.

**پُلّی فونیک، هوموفونیک (Polifonik Homofonik) :** پُلّی فونیک: یعنی موسیقی چند صدائی با بخش های متشکل از ملودی که بُعد کمتر یوان (توافق افقی یا موازی اصوات) در جملات موسیقی آن مسلط است. هوموفونیک: موسیقی که بُعد آهنگین (ملودیک) آن تنها یک بخش و یا فاقد بخش ملودیک باشد (بُعد عمودی آن بخاطر شکل آکوردهای مختلف قوی تر است).

**پناه‌ی، بهروز (Behruz Panâhi) :** موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده زبردست ویلن و پیانو. بهروز پناه‌ی، فارغ التحصیل رشته فوق لیسانس موسیقی از کنسرواتوار بُستن آمریکا است. او در لُس آنجلس زندگی می کند.

پناهی، فرح **[Farah Panâhi]** : از خوانندگان قدیمی و همدوره با جواد بدیع زاده، علی زاهدی، ادیب خوانساری، بهرام سیر، غلامحسین بنان و قوامی.

پنتاتونیک **[Pentâtonik]** : گام پنج صوتی. گامی متشکل از ۵ صدا که هنگام (اُکتاو)، درجه ششم آن است.

پنج بحر **[Panj Bahr]** : بحر بمعنی دور. پنج دور، نظیر پنج دور دایره عشاق.

پنج تار **[Panj Târ]** : سازی است رشته ای مقید و وابسته به خانواده سه تار و تنبور. این ساز، همانطوری که از نامش پیداست، دارای ۵ سیم می باشد. کاسه طنینی اش کوچک، ولی دسته آن باریک و بلند است. نواختن این ساز، در میان اهالی ترکمن صحرا متداول است.



پنج ضربی **[Panj Zarbi]** : از انواع میزان های متعارف، متشکل از ۵ ضرب. میزان پنج ضربی را می توان به صورت؛ یک - سه ضربی و یک - دو ضربی و بالعکس نوشت.



پنجگاه **[Panjgâh]** : قسمتی است که در پایان راست پنجگاه نواخته و خوانده می شود. گوشه ای است در دستگاه راست پنجگاه و از جمله ۲۴ شعبه موسیقی قدیم. پنجگاه از شعب ۹ گانه، آملی، با نام های: دو گاه، سه گاه، چهار گاه، پنجگاه، زوال، عراق، مبرقع، مایه و شهناز است.





**پنج لا چنگ [Panj Lá Cang]** : از واحد های وزن (ریتم)، با ارزش زمانی ۱/۲۸ گرد. پنج لا چنگ، در موسیقی امروز ایران استفاده نمی شود.

**پنجم افزوده [Panjom Afzude]** : از فواصل موسیقی است که آن را با علامت +۵ نشان می دهند.

**پنجم درست [Panjome Dorost]** : فاصله پنج گامی، متشکل از سه پرده و یک نیم پرده است.

**پنجم کاسته [Panjome Káste]** : فاصله ای در موسیقی نظیر از: دو (do) تا سل بمل (sol b)، زیرا یک نیم پرده کرما تیک از سل که فاصله پنجم است، کاسته شده. پنجم کاسته را با -۵ نشان می دهند.

**پنج نوبت [Panj Nobat]** : در موسیقی، به پنج آلت موسیقی که برای اعلان جنگ استفاده می شود، نظیر: دُهل، دمامه، تُبک، نای و تاس (غیاث)، اطلاق می شود.

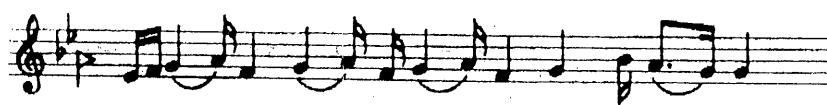
**پنجه [Panje]** : قسمتی از دسته تار که گوشه ها به آن متصل می شوند.

**پنجه کبک دری [Panje Kabk Dari]** : نواهی در موسیقی قدیم ایران. نظامی، آن را لحن ۲۶ از سی لحن باربد می داند. پنجه کبک دری، نام های دیگری هم دارد: کبک دری و غنچه کبک دری.

**پنجه کُردی [Panje Kordi]** : گوشه ای است در دستگاه شور. از الحان موسیقی قدیم ایران.



**پنجه مویه [Panje Muye]** : گوشه ای است در دستگاه های: سه گاه و چهار گاه.



پنجه مویه

**پندی (Pandi) :** به نوازنده دُهل در موسیقی بلوچی اطلاق می شود.

**پوپوف، استفان (Stefan Popof) :** استاد مشهور بلغاری با ساز تخصصی ویلن سل در هنرستان عالی موسیقی در سال های ۱۳۴۰ خورشیدی و پس از آن.

**پوپوف، ژیف (Zyef Popof) :** استاد بلغاری هنرستان عالی موسیقی با ساز تخصصی کنترباس.

**پوپوف، نیکلا (Nikola Popof) :** استاد بلغاری هنرستان عالی موسیقی در سال های ۱۳۴۰ خورشیدی و پس از آن.

**پوپیتز (Popitr) :** سه پایه، وسیله ای است از جنس چوب یا فلز که در قسمت بالای آن صفحه ای تعیین شده که نت را روی آن می گذارند.



**پور آفر، پیرایه (Piraye Purafar) :** نوازنده ماهر تار و از اعضای گروه موسیقی لیان در آمریکا.

**پور آفر، مهدی (Mehdi Purafar) :** استاد سازنده و نوازنده تار و همدوره زنده یاد، سلیمان روح افرا.

**پور ابوطالب، حسین (Hoseyn Pur-Abutaleb) :** از نوازندگان مشهور ضرب در سال های ۱۳۴۵ خورشیدی و پس از آن که در اصفهان فعالیت داشت. حسین پور ابوطالب در آن زمان، در هنرستان موسیقی اصفهان تدریس می کرد.

**پور احمد، غلام علی (Qolam-Ali Pur-Ahmad) :** نوازنده زبردست نی در شهر نجف آباد اصفهان در سال ۱۳۳۰ خورشیدی و پس از آن.

**پوران (فرح دخت عباس طاقانی) ('Purân 'Farah Doxt Abbâs Tâqâni):** زنده یاد

پوران، خواننده صاحب سبک قدیمی که سالیان بسیاری، صدا و هنر او میلیون ها هوا خواه و طرفدار داشت. پوران در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. مشوق او برای خوانندگی، خواهرزاده اش، روح بخش، خواننده سرشناس اواخر دهه ۱۳۲۰ بود. آغاز فعالیتش با نام "بانوی ناشناس" بود و پس از ازدواج با هنرمند معروف ایران، عباس شاپوری، نام فامیل او را انتخاب نمود، و با نام پوران شاپوری به خوانندگی ادامه داد. پوران از جمله خوانندگانی است که جذب سینمای ایران گشت. سال فعالیت او در سینما ۱۳۳۹ خورشیدی بود. برخی از فیلم های او عبارتند از: "ستارگان می درخشند" ۱۳۴۰، "عمو نوروز" ۱۳۴۱، "طلای سفید"، "گرگ های گرسنه" و "لاله آتشین" ۱۳۴۳، "آقای قرن بیستم"، "اشک ها و لبخندها" ۱۳۴۴، "دنیای پول" ۱۳۴۵، "حاتم طلائی"، "گدایان تهران" ۱۳۴۷ و "طوفان بر فراز پاترا" ۱۳۵۳. سرعت فراگیری ترانه و آهنگ توسط این خواننده، زبانزد آهنگسازان و ترانه سرایان است. زنده یاد پوران در سال ۱۳۷۱ خورشیدی در تهران در گذشت.

برخی از ترانه های جاویدان پوران عبارتند از: "چشم های من میل به گریه داره"، "ملا محمد جان"، "گریه دلو صفا میده"، "قایق طلائی"، "رقص شکوفه"، "اگه میشه برگرد"، "صبح میشه شب میشه"، "عاشقی بد دردیة"، "پایان عشق بیگانگی است"، "امروز و فردا"، "ویرون بشی ای دل"، "حالیته"، "وه چه بلائی ای دل"، "زندگی ای زندگی"، "می گردم دور دنیا" و "کیه کیه در میزنه".

**پور بهای جامی (Pur Baháye Jâmi):** ملک الشعرا تاج الدین بن بهالدین جامی معروف به ابن بها و متخلص به پور بها از شاعران سده هفتم هجری و معاصر با اوایل عهد ایلخانیان مغول است.

**پورتاتو (Portáto):** از اجرا های آرشه ای است که با علامت خطی افقی، که زیر یا روی نُت ها قرار می دهند مشخص می شود. در سرعت های آهسته و دارای حالات عاطفی این نوع آرشه به کار می رود.

**پورتراب، اقدس (Aqdas Pur-Torâb):** از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته پیانو.

**پور تراب، تیمور (Teymur Pur-Torâb):** تیمور پورتراب در سال ۱۳۰۸ خورشیدی بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۰ به هنرستان موسیقی رفته و در کلاس استاد کلنل وزیری به نواختن تار پرداخت. پس از چندی به ویلن روی آورده و تحت نظر استاد هائی چون؛ رویبک گریگوریان، سیرژ خوتسیف، حشمت سنجرى و لوییچی پازاناری به فراگیری نکات تکنیکی این ساز پرداخت و بزودی در ارکستر هنرستان موسیقی به

نوازندگی ویولا مبادرت ورزید. استاد تیمور پورتراب از سال ۱۳۳۵ به استخدام وزارت فرهنگ و هنر در آمد. سال بازنشستگی ایشان ۱۳۵۶ است.

**پور تراب، محمد عیسی (Mohammad Isá Pur-Toráb) :** محمد عیسی پورتراب در سال ۱۳۱۵ دنیا آمد. در هنرستان موسیقی، ساز خود را، ویلن سل انتخاب نمود و تحت نظر استادهایی چون؛ کاراپتیان و میشل خوتسیف مشغول تحصیل شد. محمد عیسی پور تراب، پس از اخذ دیپلم هنرستان موسیقی، به اتریش رفت و در آکادمی وین به تحصیل و فراگیری موسیقی پرداخت و در حال حاضر در کنسرواتوار کشور اتریش به کار تدریس مشغول می باشد. محمد عیسی پور تراب، برادر کوچک مصطفی و تیمور پورتراب است.

**پور تراب، مصطفی (Mostafá Pur-Toráb) :** استاد برجسته دانشکده موسیقی ملی و هنرستان عالی موسیقی که تألیفاتی در زمینه موسیقی دارد. مصطفی پورتراب در سال ۱۳۰۳ خورشیدی دنیا آمد و در سال ۱۳۱۷ وارد هنرستان موسیقی شد. او رساله خود را در جهت دریافت مدرک دوره عالی آهنگسازی در تجزیه و تحلیل موسیقی باستانی ایران با عنوان "ربع پرده در موسیقی ایرانی" زیر نظر استاد؛ دکتر مهدی برکشلی و پایان نامه رشته آهنگسازی را تحت نظر پروفیسور؛ هایمر تویبر، پس از ۹ سال تحصیل در دوره عالی موسیقی به پایان رسانید. در سال ۱۳۴۰، ضمن تدریس در هنرستان های موسیقی، به رهبری ارکستر شماره ۴ فرهنگ و هنر منصوب شد. دکتر مصطفی پورتراب، در سال ۱۳۴۷ به پاریس رفته و دکترای موزیکولوژی خود را از دانشگاه سوربن، زیر نظر پروفیسور؛ ژاک شایه، رئیس انستیتوی موزیکولوژی دریافت داشت. دکتر مصطفی پورتراب، در سال ۱۳۵۰ با تأسیس دوره عالی در هنرستان موسیقی ملی، به ریاست آن هنرستان منصوب شد. استاد پورتراب، پیش از بازنشستگی در سال ۱۳۵۹ به مرتبه استادی دست یافت. دکتر مصطفی پورتراب دارای تألیفات بسیاری بوده که در این دانشنامه از آن ها استفاده شده است. لطفاً به منابع مورد استفاده در نوشتن دانشنامه نگاه کنید.

**پورجوادی، هدایت (Hedáyat Pur-Javádi) :** هدایت پورجوادی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در روستای بلک سرای شاندرمن - گیلان دنیا آمد. نی نوازی را از نو جوانی از عموی خود "فتح اله شعبانی" آموخت. او اکنون، تنها نی نواز برجسته تالش است که ده ها قطعه از "هوا" ها، "پرده" ها و "دستون" های موسیقی تالش را یاد دارد. هدایت پور جوادی علاوه بر نی و نی لیک، در نواختن سورنا و تنبور نیز مهارت دارد.

**پور حسن، محمد (Mohammad Pur-Hasan) :** از صدابرداران و صداگذاران شاغل در تهران.

**پورخمامی، ایرج (Iraj Pur-Xomâmi) :** نوازنده چیره دست قره نی. ایرج پورخمامی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. در کودکی به تهران آمد و اولین معلم او، استاد امیری بود. او برای تکمیل آموخته هایش به کلاس شبانه هنرستان عالی موسیقی رفت و سال ها از محضر استاد: حسین خان وزیری تبار بهره ها برد. شغل اصلی ایرج پورخمامی، دبیر ریاضی در دبیرستان های تهران بود.

**پوردلجو، جمشید (Jamšid Pur-Delju) :** جمشید پوردلجو، در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در شهر رشت بدنیا آمد. فراگیری سازهای فلوت و ساکسیفون را تحت نظر پدر هنرمندش، نادر دلجو، از کودکی آغاز نمود. جمشید پور دلجو تا سال ۱۳۵۷ فعالیت بسیاری در زمینه موسیقی داشته و از این سال به بعد تنها به تدریس خصوصی می پردازد.

**پوردلجو، نادر (Nâder Pur-Delju) :** استاد و نوازنده پیانو، فلوت و ساکسیفون که سال های بسیاری در زادگاهش، رشت به تعلیم هنرجویان موسیقی می پرداخت.

نادر پوردلجو، در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او تحصیلات موسیقی را نزد: استاد پرواند مارتیروسیان و همسرش؛ مارگریت که از موسیقیدان های تحصیلکرده ایتالیا بودند، آغاز کرد. نادر پوردلجو، در سال ۱۳۲۶، وارد دسته موزیک ارتش شد و در آن جا، به سمت معاونت موزیک تپ گیلان که ریاست آن با یوسف آهنگی بود، انتخاب شد. نادر پوردلجو، در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، طی حکمی به افغانستان رفت تا به بررسی سازهای محلی ایرانی که به کشورهای هم جوار برده شده پردازد. پس از بازگشت از افغانستان، به استخدام رسمی اداره کل رادیو در آمد. در آن زمان، ریاست رادیو با استاد مشیر همایون شهردار بود. نادر پوردلجو تا سال ۱۳۵۸ از فعالیت چشمگیری برخوردار و پس از انقلاب گوشه گیری را انتخاب نمود.

سکوت او تا سال ۱۳۶۲ ادامه داشت و از این سال به بعد، او در رشت به تعلیم هنرجویان موسیقی می پردازد.

**پوردلجو، ناصر (Nâser Pur-Delju) :** ناصر پوردلجو، فرزند هنرمند گرانقدر گیلانی، نادر پوردلجو است که در سال ۱۳۳۷ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. وی نواختن پیانو را نزد پدر فرا گرفت و چون از صدای خوبی نیز برخوردار بود، خیلی سریع، توانست در محیط هنری زمان خود شناخته شود. ناصر پوردلجو تا سال ۱۳۵۷ در ارکسترهای بسیاری فعالیت داشته و پس از انقلاب، تنها به تدریس خصوصی می پردازد.

**پورزاده، منصور (Mansur Purzâde) :** نوازنده چیره دست سنتور در استان خوزستان.

پورشادی، اسماعیل (Esmâwil Puršâdi): از افراد دسته موزیک ارتش در سال ۱۳۱۱ خورشیدی و پس از آن.

پورشیرازی، پورنگ (Purang Pur-Širâzi): کنترباس نواز ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی در تهران.

پور عطائی، غلام علی (Qolâm-Ali Pur-Atâi): نوازنده زیردست دو تار در خراسان. غلام علی پورعطائی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در روستای محمود آباد علیا بدنیا آمد. از ۹ سالگی نواختن دو تار را آغاز کرد. اولین معلم غلام علی پور عطائی؛ اله رسان عثمانی، که از دو تار نوازان برجسته خراسان بشمار می رفت، بود. در زمینه خوانندگی نیز، تحت نظر: شهاب الدین شیر محمدی به آموختن این هنر پرداخت. پورعطائی، نخستین خواننده ای است که در ایران به "بیدل خوانی" پرداخته است. شغل رسمی غلام علی پورعطائی: آموزگاری در وزارت آموزش و پرورش تربت جام است.

پور فرخ، مسعود (Maswud Pur-Farrox): موسیقیدان و آهنگساز صاحب نام ارکستر سنفونی تهران.

پور فلاحی، فرزین (Farzin Pur-Fallâhi): فرزین پورفلاحی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی در هشتگرد بدنیا آمد. او دف و تنبور را نزد استاد شهاب الهی آموخت. فرزین پورفلاحی در حال حاضر در آلمان فعالیت دارد.

پور مهدی، هومان (Humân Pur-Mehdi): نوازنده دف و تنبک و از همکاران گروه موسیقی لیان در آمریکا. هومان پور مهدی، آموختن ضرب را نزد استاد مرتضی اعیان فرا گرفته است.

پور میامین، شاهرخ (Šâhroخ Pur-Myâmin): نوازنده زبردست گیتار که در تهران فعالیت دارد.

پور ناصح، بهرام (Bahrâm Pur-Nâseh): از سازندگان موزیک متن فیلم که از نمونه کارهایش می توان به فیلم: عیاران و طراران، ساخته سعید نادری در سال ۱۳۶۴ خورشیدی اشاره داشت.

**پور ناظری، کیخسرو [Keyxosro Pur-Názeri] :** کیخسرو پورناظری در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. پدرش حاجی خان ناظری، استاد برجسته موسیقی بود. پور ناظری در سال ۱۳۵۱ رسماً با عنوان: کارشناس موسیقی، در فرهنگ و هنر کرمانشاهان آغاز به کار کرد، و در این زمان به آهنگسازی و گردآوری آثار محلی و کردی پرداخت و از استاد: حشمت اله مسنن، آهنگساز بزرگ کردستان بهره ها گرفت. کیخسرو پور ناظری، آموختن ردیف های موسیقی ایرانی را نزد استاد دکتر نور علی برومند آموخت. ساز نخستین پور ناظری، تنبور است. در معرفی آهنگ های پور ناظری، پسر عموی او؛ شهرام ناظری، نقش به سزائی داشته و دارد.

**پور هاشمی، جعفر [Jawfar Pur-Hašemi] :** خواننده ترانه های فیلم های فارسی که پیش از انقلاب، کمتر فیلمی را بدون صدای او مشاهده کرده ایم. جعفر پورهاشمی، در تغییر صدا، استاد بود.

**پور همائی [Pur-Homáwi] :** ترانه سرای پیش از انقلاب که برخی از سرود هایش را امان اله تاجیک خوانده است.

**پوریار، عباس [Abbás Pur-Yâr] :** از صدا برداران و صدا گذاران رادیو تلویزیون در تهران.

**پور یان، اسد، کلاس موسیقی [Keláse Musiqiye Asad Puryán] :** تنها کلاس موسیقی در شهرستان بروجرد، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به سرپرستی اسد پوریان.

**پوریان خیر، منوچهر [Manucehr Puryán-Xeyr] :** از سازندگان مشهور سنتور و همدوره با استادهایی مانند: مارکار، زادور، صدری اصفهانی، سیروس ساغری، حسین ملک و اسماعیل فهیمی نیا.

**پوریا، یوسف [Yusef Puryá] :** یوسف پوریا در سال ۱۳۱۸ در مراغه بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۸ همراه با خانواده اش به تهران آمد. تاریخ ورود او به هنرستان ملی موسیقی، سال ۱۳۵۴ است. استاد او، رضا وهدانی، هنرمند گرانقدری موسیقی ایران بود. پوریا، ضمن آموختن فن نوازندگی تار، به ساختن این ساز نیز روی آورده، بطوری که امروز، یکی از ماهرترین صنعتکاران ساخت تار بشمار می رود. الگوی او برای تار سازی، تارهای زنده یاد "یحیی خان" است.

**پوزیسیون (Pozisiyon) :** به معنی انتقال، در آلات زهی که با تغییر محل انگشتان دست چپ نوازنده بر سیم ها انجام می شود. در ساز سنتور، سیم های زرد و سفید و پشت خرک را به ترتیب؛ پوزیسیون اول، دوم و سوم گویند.

**پوستی، محمد (Mohammad Pusti) :** صنعتگر مشهور اصفهانی که به ساخت ویلن در سال های پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی اشتغال داشت.

**پولیفون (Polifon) :** از شرکت های تولید و پخش صفحه گرامافون در ایران که در سال ۱۳۰۶ خورشیدی فعالیت شدید خود را آغاز نمود. مرکز این شرکت در خیابان چراغ برق، شماره ۲۸۷، و فروشگاه آن در خیابان علاءالدوله بود. سایر شعب آن در شهرستان ها عبارت بودند از:

کرمانشاه: تجارت خانه میر حکاک

اصفهان: شرکت مرتبط غرب و داروخانه ایزدی

شیراز: مغازه درخشان

این شرکت، گرامافون هائی به بازار ایران عرضه و با دو کارخانه؛ هیز مسترز ویس و کلمبیا به رقابت پرداخته بود. به برخی از صفحات تولیدی این شرکت اشاره می شود:

جان من گفتمت، بهار است و هنگام گشت، کشور دل، و امان ز هجر رخ یار، با صدای قمر الملوک وزیری. آواز شور، با صدای ملوک ضرابی و گردش پدر و پسر (تاتر کمدی).

**پومینگ تا (Pomingtà) :** مشهورترین و بزرگترین موسیقیدان ایرانی در چین در زمان امپراتوری تانگ **(Tang)**، (سده هفتم تا نهم میلادی) که ترانه های بسیاری سروده که از میان آن ها می توان به "آواز های بلبل در بهار" اشاره داشت. سازی که او می نواخته، عود پنج سیمی بوده که اینک این ساز در موزه شوسو **(Soso)** ژاپن نگهداری می شود.

**پونه (Pune) :** خواننده پیش از انقلاب که ترانه "حسن بک" او سال ها ورد زبان مردم بود. پونه در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به همراه آفت، سوسن و گوگوش بمناسبت اصلاحات ارضی در برنامه ویژه ای به رادیو دعوت شد. پونه همکاری نزدیکی با آهنگساز معروف، هاملت میناسیان داشت.



**پویا (Puyâ) :** خواننده جوان و خوش صدای ساکن لس آنجلس که فعالیت هنری خود را از نروژ آغاز و در لس آنجلس با اجرای آثاری از استاد جهان بخش پازوکی به اشتهار و معروفیت رسیده است. زادگاه این هنرمند، بندر پهلوی است.

**پویان، سیامک (Syâmak Puyân) :** نوازنده چیره دست ضرب که در حال حاضر در آمریکا زندگی می کند.

**پهلبد (Pahlbod) :** نام دیگر باربد جهرمی، نوازنده بنام، دربار خسرو پرویز است. لطفاً به باربد جهرمی نگاه کنید.

**پهلوان، حاج نایب رضا قلی (Hâj Nâyeb Rezâ Qoli Pahlevân) :** صاحب زورخانه؛ گذر ارباب در محله سنگلج که اثری از این بنا نیست.

**پهلوان، محمد رضا (Mohammad Rezâ Pahlevân) :** محمد رضا پهلوان، با نام مستعار هنری عرشیا از خوانندگان جوان پاپ در ایران است که از او آلبوم "صفر" با اشعار شهیار قنبری و آهنگسازی فریدون فروغی در دسترس می باشد.

**پهلوی (Pahlavi) :** قسمتی است در دستگاه های سه گاه و چهار گاه، منسوب به پهل، که در قدیم به شهر های: ری، همدان، اصفهان و نهاوند می گفتند. خط و زبان ایرانیان در دوره ساسانیان نیز، پهلوی گفته می شد.



**پیات تی (Peyât-ti) :** سنج، از سازهای کوبه ای که بصورت دو کفه، یا دو دایره از برنج ساخته می شود و دارای اندازه های مختلف است. سنج را به سه طریق می نوازند:

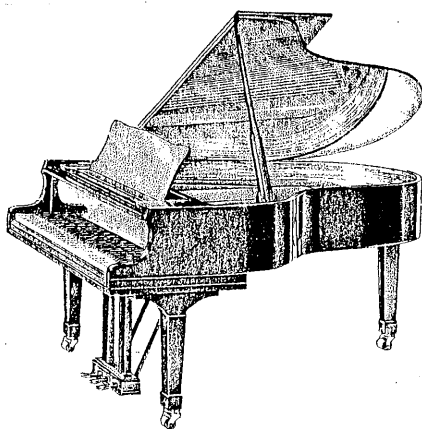
- ۱ - جفت سنج؛ نوازنده دو کفه سنج را به دو دست گرفته و برهم می کوبد.
- ۲ - سنج معلق؛ یک کفه را روی پایه ای قرار داده و به آن می کوبند، بخشی از ساز درام یا جاز.

۳ - این طریقه در ارکستر سنفونیک و یا در ارکسترهای نظامی معمول و نحوه نواختن آن بدین قرار است که: دو کفه سنج نسبتاً کوچک را انتخاب و یکی از آن‌ها را روی طبل بزرگ می‌بندند و ثابت نگه می‌دارند. نوازنده با باگت مخصوص روی پوست طبل کوبیده و با کفه دیگر روی صفحه ثابت که کف سنج روی آن تعبیه شده است می‌کوبد.

**پیام (Payâm) :** خواننده خوش صدای ساکن لس آنجلس.

**پیام (Payâm) :** شرکت فرهنگی - هنری در تهران که به کار تولید، تکثیر و پخش نوار کاست و CD موسیقی ایرانی مشغول است.

**پیانو (Piyáno) :** از سازهای شستی دار است که توسط کریستوفری (Kristofari) از روی ساز دیگری بنام هارپسیکورد (Hárpsocord)، در سال ۱۷۰۹ میلادی ساخته شد. وسعت صدای پیانو، ۷ اکتاو است. پیانو در زمان قاجاریه به ایران آورده شد و جای خاصی در موسیقی ایران دارد. کلاویه‌های پیانو، چکشی و چوبی است و با تغییر مختصری در کوک پیانو می‌توان ردیف‌های ایرانی را روی آن نواخت. در سال ۱۳۱۴، ناپلئون بناپارت، اولین پیانو را با پنج اکتاو به فتح علیشاه قاجار هدیه داد و نخستین بار، پیانو در ایران، توسط محمد صادق خان (سرور الملک) به کوک ایرانی در آمد و نواخته شد. سالار معزز، معتقد است که برای صحیح ادا نمودن تمام مقام‌های موسیقی ایرانی، لازم است تمام **reb** (ربمل) ها و **lab** (لابمل) ها، دو کما بالاتر کوک شوند.



**پیانو فورتِه (Pyáno Forte) :** از اصطلاحات تغییر صوت به مفهوم از صدای ضعیف **p** (پیانو) بدون درنگ به صدای قوی **f** (فورتِه) رفتن.

**پیانیسمو (Pyanismo):** اجرای خیلی آهسته (آهسته تر از پیانو) را گویند. علامت آن **p.p.** است.

**پی بی آی (P.B.I.):** شرکت تولید و پخش نوارهای کاست، **CD** و ویدئوی موسیقی ایرانی در آمریکا. این شرکت در لس آنجلس قرار دارد.

**پیپا (Pipá):** برپایه ایرانیان در کشور چین به نام پیپا خوانده می شود. در موسیقی محلی جنوب ایران از سازی کوبه ای، شبیه دهل بنام پیپه استفاده می کنند.

**پیدایش ساز (Peydāyeše Sáz):** آغاز موسیقی با تقلید صدای باد، آب و پرندگان و نیز بوسیله اصواتی که موافق آهنگ کارهای متفاوت انسان بود، توسط او بوجود آمد. در باره مبداء و پیدایش آلات موسیقی داستان های زیادی نقل شده است. محققین و سازشناسان، پیدایش سازها را، از کف زدن و بشکن زدن می دانند. موسیقیدان های قدیم ایران، در کتاب های خود، سازها را به دو دسته تقسیم کرده اند؛ یک: ذوات الاوتار یا آلات سیمی و زهی، و دیگری؛ ذوات النفخ یا آلات بادی. امروزه، سه رده ساز در دنیا وجود دارد: سازهای زهی، سازهای بادی و سازهای ضربه ای یا کوبه ای.

**پیدایش موسیقی (Peydāyeše Musiqi):** محققین، تئوری موسیقی را از یونان قدیم می دانند. در مورد موسیقی مشرق زمین که بمراتب قدیم تر از یونان است، متاسفانه کمتر مطالعه و بررسی شده است. در زبان سانسکریت که مادر زبان های هند و اروپائی است، ۲۲ صدا را، بزرگ و کوچک نامگذاری کرده اند. این ۲۲ صدا و مشابه آن در نت نویسی امروز بقرار زیر است:

۱ شاجا (Do / C)

۲ کمداواتی (ربع پرده)

۳ ماند (D بمل / re بمل)

۴ چندوباتی (ربع پرده)

۵ دایاباتی (re / D)

۶ رنجانی (ربع پرده)

۷ رختیکا (E بمل / mi بمل)

۸ رودری (mi / E)

۹ خرودری (ربع پرده)

۱۰ باجریکا (F / فا)

- ۱۱ پراسارینی ( ربع پرده )  
 ۱۲ پرینی ( F دیز / فا دیز )  
 ۱۳ مانجاری ( ربع پرده )  
 ۱۴ کشیتی ( Sol / G )  
 ۱۵ رختا ( ربع پرده )  
 ۱۶ ساندی پینی ( A بمل / لا بمل )  
 ۱۷ آلابانی ( ربع پرده )  
 ۱۸ مادانتی ( LA / A )  
 ۱۹ روپینی ( ربع پرده )  
 ۲۰ رامبیا ( B بمل / سی بمل )  
 ۲۱ اوکرا ( B / سی )  
 ۲۲ کشوینی ( do / C )

**پیرانداخ، انگور (Angur Pirandâx) :** انگور پیرانداخ، از معروفترین خلیفه های گواتی در ایران شهر بلوچستان است، که در سال ۱۳۱۳ بدنیا آمد. از کودکی، همراه با پدرش که خلیفه گواتی بود، در مراسم گواتی و آئین دمال شرکت کرده و در سن ۱۴ سالگی، تمام آداب و رسوم و جزئیات مربوط به این مراسم را فرا گرفت.

**پیرداوری، سودابه (Sodâbe Pirdâvari) :** ویلن سل نواز ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

**پیرگلو، کیومرث (Kyumars Pirglo) :** کیومرث پیرگلو در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او آموختن سنتور را از استاد فرامرز پایور آموخت، و بعد ها، توجهش به موسیقی کلاسیک اروپایی معطوف شد. ضمن یادگیری نواختن پیانو، به آموختن سلفژ، هارمونی، ارکستراسیون، کنترپوان، انسترومانتاسیون و سایر رشته های موسیقی پرداخت. کیومرث پیرگلو، تحصیلات عالی خود در رشته موسیقی در بلژیک و سوئد به اتمام رسانید. مقالات کیومرث پیرگلو در زمینه موسیقی با نام مستعار "سیامک نوری" چاپ و منتشر گردیده است.

**پیرنیا، داود (Davud Pirnyâ) :** بانی و موسس برنامه گلهای رادیو ایران در تهران، خیابان ایران (عین الدوله) بدنیا آمد. پدرش، حسین پیرنیا (مشیرالدوله)، نویسنده کتاب تاریخ باستانی ایران، است. داود پیرنیا،

پس از اخذ مدرک دکترای حقوق از سوئیس به ایران مراجعه و در وزارت دادگستری مشغول به کار گردید. او، بنیان گذار و موسس کانون و کلا بود و همچنین تأسیس اداره آمار، از ابتکارات این استاد گرانقدر است. داود پیرنیا، حین فراگیری تحصیلات عالی، با موسیقی کلاسیک آشنائی کامل پیدا کرد و نواختن پیانو را بخوبی فرا گرفت. او به زبان های: فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. داود پیرنیا، همواره در فکر احیای موسیقی سنتی و اصیل ایرانی و زنده نمودن فرهنگ و ادبیات ایران بود. از این رو، ب فکر ایجاد برنامه های گلهای جاویدان و گلهای رنگارنگ و دیگر برنامه های ارزنده و جاویدان افتاد. تبادل نظر و همفکری با استاد هائی چون: کلنل وزیری، روح اله خالقی، ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین یاحقی، احمد عبادی، مهدی خالدی، علی تجویدی، جواد معروفی و دیگران باعث شد که برنامه گلهای، پا گرفته، اجرا و جاویدان شود.

استاد داود پیرنیا، مبتکر تلفیق شعر و موسیقی با هم است. نحوه، راه یافتن پیرنیا به رادیو را، کسی نمیداند. گلهای جاویدان در سال ۱۳۳۵ شروع و هم زمان با آن، استاد پیرنیا، برنامه دیگری برای کودکان تنظیم کرده که با صدای فرزندش بیژن پیرنیا، پخش می شد. تأسیس ۵ ارکستر گلهای رادیو نیز از ابتکارات و تلاش های این بزرگمرد موسیقی ایران است.

برنامه های؛ برگ سبز، شاخه گل و گلهای صحرائی نیز از ابتکارات استاد داود پیرنیا بود. وقتی سکه قلبی به سراغ استاد آمد و او را خانه نشین ساخت، دیگران بس کوشش کردند تا راه او را ادامه دهند ولی گلهای آنان، طراوت و رنگ و بوی گلهای استاد پیرنیا را نداشت.

**پیرنیاکان، داریوش (Dāryuś Pirnyākān):** نوازنده مشهور تار و از همکاران نزدیک؛ استاد محمد رضا شجریان و جمشید عندلیبی (نوازنده زبردست نی). داریوش پیرنیاکان، در سال ۱۳۳۴ خورشید در بخش گرگر، استان آذربایجان شرقی، بدنیا آمد. اولین استاد او؛ نوازنده مشهور آذربایجان؛ محمد حسن عذاری، استاد تار بود. در مراحل بعدی، داریوش پیرنیاکان از مکتب استاد هائی چون؛ زنده یاد غلامحسین بیگچه خانی، استاد محمود فرنام و استاد زنده یاد؛ علی اکبر شهنازی فیض برد. همزمان با آموختن از محضر استاد های فوق، وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شده و آشنائی با استاد داریوش صفوت او را به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران کشاند.

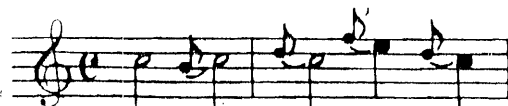
**پیروز (Piruz 'Pāyande Āzād):** پیروز پاینده آزاد - خواننده و ترانه سرائی که سال ها با گروه **Black Cats** همکاری داشت ولی از سال گذشته (۲۰۰۰ میلادی) فعالیت خود را مستقل نموده و به تنهائی به این حرفه اشتغال دارد. او ساکن لس آنجلس است.

**پیروزمند، بزرگ (Bozorg Piruzmand) :** از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی و از نوازندگان مشهور ویلن در آن زمان.

**پیروزی نیا (Piruzi-nyá) :** نوازنده زبردست عود و از همکاران نزدیک گروه عارف به رهبری پرویز مشکاتیان.

**پیستون (Piston) :** در سازهای بادی می برای طویل کردن استوانه ساز و یا ستون هوا، از یک یا چند استوانه کوچک که با فنر بالا و پائین می رود استفاده می کنند. این اسباب یا لوله ها را پیستون گویند. امروزه ترومپت دارای ۳ پیستون و توبا دارای چهار پیستون است.

**پیشا (Pišá) :** نت زینت کوچکی که قبل از نت های اصلی واقع شود و بر دو قسم است: پیشای تحتانی و پیشای فوقانی. پیشای تحتانی، یک دوم از نت اصلی بم تر و بر عکس، پیشای فوقانی، یک دوم از نت اصلی بالاتر نوشته می شود. دو پیشای دیگر هم وجود دارد؛ بنام های: پیشای کوتاه و پیشای همراه. پیشای کوتاه: نت کوچکی است به شکل یک نت چنگ کوچک که خط موربی پرچم آن را قطع کرده است و قبل از نت اصلی فرار دارد و پیشای همراه که بفاصله های سوم یا ششم نوشته می شوند و با فاصله های چهارم و پنجم معمول نیست.



**پیش درآمد (Pišdarámad) :** قطعه ای که در اول هر دستگاه و گوشه نواخته و خوانده می شود. نامگذاری پیش درآمد را به استاد؛ مشیر همایون شهردار نسبت می دهند. تا قبل از درویش خان، پیش درآمد، قطعه مستقل نبود و جزو ردیف بشمار می رفت.

**پیش رو (Piš-ro) :** یکی از اقسام تصنیف های موجود در موسیقی قدیم ایران بعد از حمله اعراب، خالی از اشعار و ابیات و مشتمل بر خانه هائی به نام؛ خانه پیش رو - نشیدی. پیش رو، حکم آواز ضربی را داشته و دارای وزن بوده است.

پیش زنگوله [Piš Zangule] : مقامی یا گوشه ضربی است در دستگاه های؛ سه گاه، چهار گاه و راست پنجگاه.

پیش زنگوله (موسی معروفی)



پیشکاری، خسرو [Xosro Piškâri] : نوازنده چیره دست فلوت که مدتی پیش بر اثر بیماری مزمنی در لس آنجلس در گذشت. خسرو پیشکاری، هنرمندی بود که هنرش مورد تائید بسیاری از استاد های فن موسیقی بود منجمله؛ عماد رام

پیشه یا پوشه [Piše yâ Puše] : سازی است بادی شبیه به نی که چوپانان می نوازند. این ساز را توتک هم می خوانند..

پیغوله [Piqule] : نام نوائی است در موسیقی قدیم ایران. در فرهنگ شاهنامه به معنی: گوشه، کنج (پیغوله) آمده است.

پی قنه [Piqeneh] : سازی است بادی که از ساقه گیاه و یا پوست درخت توسکا و یا از باریکه نی می سازند و زیر زبان می گذارند و در آن می دمند. این ساز در حقیقت سوتکی است که برای ایجاد صدای یکنواخت مورد استفاده قرار می گیرد.

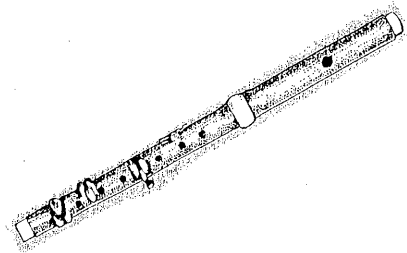
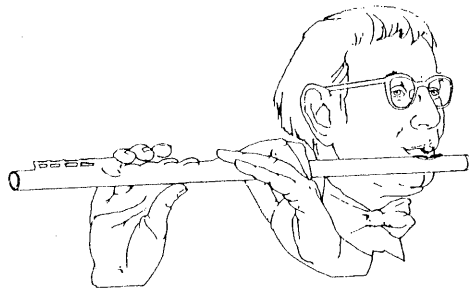
پیک [Pik] : نی لبک کوچکی است که در جنوب ایران مورد استفاده دارد.

پیکار گرد [Peykâre Gard] : نام دومین سرود باربد است.

پیک گرد [Peyke Gard] : نام لحنی است در موسیقی قدیم ایران.

پیک، لال بخش **[Peyk Lálbaxš]** : از شائران معاصر در بلوچستان و ساکن چابهار است. (شاعر؛ کسی است که شعر را با ساز و آواز اجرا کند. لطفاً برای آگاهی بیشتر به شعر نگاه کنید).

پیکولو **(Pikolo)** : سازی است بادی - چوبی که کوچکترین ساز بادی - چوبی یک ارکستر بزرگ است. صدای این ساز یک اکتاو، زیر تر از فلوت معمولی می باشد.



پیلوسیان، تامارا **[Támárā Pilosyán]** : از خوانندگان بزرگ اُپرا، که پس از انقلاب در آلمان زندگی می کند. تامارا پیلوسیان سال ها، استاد موسیقی در هنرستان عالی موسیقی تهران بود (۱۳۳۰ خورشیدی و پس از آن).

پیلوسیان، لوسی **[Lusi Pilosyán]** : از استادهاى موسیقی در هنرستان عالی موسیقی تهران در سال های ۱۳۳۰ خورشیدی و پس از آن.

پینگوگ **[Pingug]** : نوعی کوک در ساز سرود (قیچک) در موسیقی بلوچ.

پیوند، صمد **[Samad Peyvand]** : خواننده پیش از انقلاب و همدوره با قاسم جیلی، جمال وفائی و علی خیر خواه. صمد پیوند، در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. در ۵ سالگی همراه با خانواده اش به آبادان رفت. در سال ۱۳۳۰، صمد پیوند آهنگی از؛ ایرج رحیم پور بنام "دلم گرفته" را خواند که با استقبال بی نظیر مردم خوزستان مواجه شد. دعوت به همکاری در رادیو ایران از جانب استاد زنده یاد؛ محمودی خوانساری به صمد پیوند صورت گرفت و او در سال ۱۳۳۹ به رادیو رفت. اولین آهنگ او را زنده یاد: رضا گلشن راد با نام عروس آسمان، پس از ورودش به رادیو برای او ساخت.